

## بررسی وجوه تشابه اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی و سید اشرف گیلانی

دکتر مجید پویان، عضو هیات علمی دانشگاه یزد

### درو نمایه های اصلی ادبیات مشروطیت

در دوره مشروطیت کوشش نویسندگان، شاعران و دگراندیشان براین امر متمرکز بود که با آشنا کردن اذهان عمومی با مفاهیم مدرن جهان غرب و آگاه سازی آنان به حقوق خود در برابر دولت، زمینه را برای تشکیل حکومتی مشروطه که در آن قدرت پادشاه به قانون محدود شود و مردم نیز با استفاده از ابزارهای دموکراتیک نقشی سازنده در سرنوشت فردی و اجتماعی خود داشته باشند فراهم کنند، بنابراین ادبیات دوره مشروطه بازتاب اندیشه های ترقی خواهانه دگراندیشان انقلابی ایران است. دورنمایه های اصلی ادبیات این دوره را می توان به صورت زیر مختصر کرد:

**۱ وطن :** شامل مباحثی چون : ملیت و حق حاکمیت ملت، ناسیونالیسم، شووینیزم.

**۲ آزادی :** شامل مباحثی در زمینه دموکراسی اجتماعی و سیاسی چون : آزادی بیان، قلم، افکار، احزاب، قانون خواهی، پارلمانتاریسم، استقلال سیاسی و استقلال اجتماعی، اندیشه های ضد استبدادی و ضد استعماری، زن، حجاب و کشف حجاب، علل عقب ماندگی فرهنگی، اجتماعی زنان لزوم تعلیم و تربیت زن، به رسمیت شناختن پاره ای حقوق اجتماعی برای زنان.

**۳ مدنیت غربی :** لزوم اخذ علم و صنعت غربی، اندیشه ایجاد مدارس و دانشگاه به شیوه اروپائی، لزوم اخذ شیوه ها و نهاد های حکومتی غرب؛ سوسیالیسم و نوعی الحاد.

**۴ انتقادهای اجتماعی و سیاسی** که شامل: انتقاد از شیوه های حکومت های استبدادی، انتقاد از نظام سیاسی و اجتماعی واداری و شخصیت ها است. ( آجودانی ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۱۰ )

**۵ اندیشه اتحاد اسلامی**

## وجوه اصلی اندیشه سید جمال الدین

ابعاد تفکر سید جمال را می توان در ۵ محور اصلی زیر تبیین کرد:

۱- اعتقاد به توانایی ذاتی دین اسلام برای رهبری مسلمانان و تأمین نیرومندی و پیشرفت آنان

۲ مبارزه با روحیه تسلیم به قضا و قدر و گوشه نشینی و بی جنبشی.

۳ بازگشت به منابع اصلی فکر اسلامی.

۴ تفسیر عقلی تعالیم اسلام و فراخواندن مسلمانان به یادگرفتن علوم جدید.

۵ مبارزه با استعمار و استبداد به عنوان گام نخست در راه رستاخیز اجتماعی و فکری مسلمانان

(عنایت، ۱۳۵۸، ص ۱۱۳، مطهری، ۱۳۶۵، ص ۱۳؛ محیط طباطبائی، ۱۳۵۰، صص ۶۱-۱۷)

## دگراندیشان ایرانی و دو رویه فرهنگ و تمدن غرب

ایرانیان در طول تاریخ دو جنبه تمدن غرب را تجربه کرده اند: استعمار و امپریالیسم از سویی،

و اندیشه مدرن، علم و تکنولوژی از سوی دیگر. (علیزاده، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷).

کیفیت برخورد دگراندیشان ایرانی در دوره مشروطیت با دو رویه کاملاً متعارض غرب یکی از

پرچالش ترین مسائل سیاست خارجی ایران است. با نگاهی گذرا به تاریخچه مناسبات ایران و غرب

شاهد ظهور و بروز انواع موضعگیری های کاملاً متفاوتی هستیم که گاه به نفی مطلق تمامیت فرهنگ

و تمدن غرب می انجامد و همراه با ندای بازگشت به خویشتن و اصالت های ارزشی همراه می شود و گاه

نیز با رویکردی اشتیاق آمیز به پذیرش تمامیت غرب و مظاهر مدرنیته تاکید می کند. برخی

گروهی از دگراندیشان ایرانی که در نسبت با جریان روشنفکری ایرانی در اقلیت قرار می گیرند ، ضمن تأکید بر مبانی ایدئولوژیک واحکام دین اسلام بر آن اند که بسیاری از مفاهیم مدرن غرب را می توان در دل آئین اسلام باز جست: اقبال لاهوری ،سید جمال الدین اسد آبادی، میرز ملکم خان وسید اشرف گیلانی وبعدها دکتر شریعتی وجلال ال احمد در شمار این گروه اقلیت اند. داریوش آشوری می نویسد: «آل احمد ا وشریعتی وگروهی از این دست .... در طلب بازگشت به چیز از دست رفته ای هستند که گوهر آن از نظر ایشان بر اثر هجوم غرب پوشیده مانده ودچارتباهی شده است.»(آشوری ۱۳۱۴،ص ۱۳۴)

زمان □ زیست سید جمال الدین اسدآبادی را می توان به لحاظ تاریخی یکی از مهم ترین ادوار حیات اجتماعی، سیاسی کشورهای آسیایی - به ویژه ممالک اسلامی - دانست. در این برهه تاریخی سرزمین های اسلامی، از جمله ایران، در مواجهه روز افزون با مفاهیم و مؤلفه های جهان مدرنیته غرب قرار می گیرند. تقابل تضادآمیز این مفاهیم با خصائص جهان سنت، به ویژه ایدئولوژیک جوامع اسلامی، موجب ترسیم منحنی پرفراز و فرود مناسبات جوامع اسلامی و غرب می شود. در این مناسبات پر از تباین و تنش از یک سو بخشی از مدرنیته غرب به عنوان نیازی مبرم برای توسعه صنعتی و پیشرفت اقتصادی تلقی می شود و بخشی دیگر از دستاوردهای فرهنگ و تمدن غرب به عنوان عناصری بیگانه، غیروومی و غیر اسلامی در تضاد با جهان ارزشی و ایدئولوژیک مسلمانان قرار می گیرد.

## وطن اسلامی و بزرگ مسلمانان

در میان دگراندیشان دوره ی مشروطیت وطن وتوجه خاص به امام میهن وتاکید بر حفظ و صیانت آن مضمونی پرکاربرد است، به طور کلی دو تلقی از وطن در ادبیات روشنفکری این دوره دیده می شود: نخست رویکردی مجرد از مذهب به وطن با تاکید بر جنبه های ناسیونالیستی و صرفاً ایرانی آن، و دیگر رویکردی که در آن وطن در نسبت با دین اسلام تعریف وتبیین می شود. میرزاده عشقی نماینده برجسته ی ناسیونالیسم ایرانی است. (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸) چنانچه که دکتر شفیع کدکنی اشاره کرده است وطن در رویکرد مذهبی اش را در اندیشه کسانی چون اشرف الدین می توان باز جست. (شفیع کدکنی، ۱۳۸۰، صص ۳۷۳۶) اما چنانچه که برخی اشاره کرده اند رویکردی دینی به وطن متأثر از اندیشه های سید جمال الدین است که در عرصه تفکر تجددخواه و انقلابی مشروطیت بازتاب می یابد. (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۸)

## دعوت به بیداری مسلمانان

سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان یک متفکر و احیاگر و اصلاح طلب دینی از اندیشمندان بارزی است که آرا و عقاید او تأثیر شگرفی بر بیداری ایرانیان هم نسبت به اوضاع و احوال داخلی مملکت و هم نسبت به سلطه استعمار بر ایران و سایر ممالک اسلامی داشته است. (کسرای، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷) یکی از اندیشه های بنیادین وجریان ساز سید جمال الدین دعوت به حرکت پیشرو و انقلابی است. وی می کوشید تا در ذهن و تفکر جهان اسلام انقلابیگری را بارور کند. مطهری می نویسد: « بدون تردید سلسله جنبان نهضت اصلاحی صد ساله اخیر سید جمال الدین اسدآبادی ... است، او بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد در دردهای اجتماعی مسلمین رابا واقع بینی خاصی

این ویژگی فکری سید جمال که از تشابهات وجوه اندیشه او با روشنفکران مشروطه خواه ایران است، در سروده های سید اشرف الدین نیز به وفور دیده می شود؛ دعوت به حرکت و بیرون آمدن از رخوت و سستی و طرح نوبنیان نهادن از مضامینی است که در شعر سید اشرف به وجوه مختلف بیان می گردد.

### رویکرد دینی اندیشه های سید جمال و سید اشرف

نسبت روشنفکران ایرانی در دوره مشروطیت با دین دوگانه و متعارض است؛ برخی با رویکردی سلبی به نفی تمامیت دین در همه ساحات می پردازند و برخی دیگر بر توانش مؤلفه های دینی در رسیدن به رستگاری و نجات و آزادی و عدالت تاکید می کنند.

سید جمال الدین و سید اشرف هر دو از دو منظر اما در اساس از یک آبشخور به مفاهیم و مولفه های دینی توجه می کنند. سید جمال الدین در کنار آن که با تمسک به اسلام و روح حماسی آن به ویژه شور حماسی مسلمانان صدر اسلام بر قدرت انقلابیگری و تحول آفرین آن تاکید می کند، می کوشد با قرائتی ایدئولوژیک آن را به مثابه برنامه و نظامی تدوین یافته و بسامان ارائه کند که در صورت اجرای صحیح و اصولی می تواند زمینه را برای آزادی جامعه اسلامی از قید و بند های استعمار غرب فراهم نماید و مقدمات پیشرفت و ارتقای سطح آگاهی و دانایی و صنعت را نیز تامین کند.

سید اشرف نیز بارها با عقیده مندی بسیار تاکید می کند که چنانچه مردم به روح و معنا محتوای حقیقی قرآن و احکام اسلام توجه کنند، هرآینه زمینه برای رهایی از یوغ استبداد داخلی و خارجی و نیز پیشرفت فراهم خواهد شد.

سید جمال الدین از روشنفکرانی است که فریاد آزادی خواهی و بیدارگری او برآمده از اعماق روح و فرهنگ ایدئولوژیک اسلام است؛ این ویژگی نیز بنیانی ایدئولوژیک به اندیشه های متجددانه و تحول طلب سید جمال می دهد درباره ارزش محتوایی قرآن می نویسد :

" آن گرامی نامه نخستین معلم حکمت بود مسلمانان را ونسخه جامعه این عالم کبیر است و ... این کتاب کبیر را پایان نیست." (اسد آبادی، ۱۳۱۲ ص ۱۴۰) «بالجمله در آن گرامی نامه به آیات محکمه جراثیم فنون حکمیه را در نفوس مطهره نهاد و راه انسان شدن را به انسان وانمود و چون امت عربیه بر آن گرامی نامه ایمان آورد، از عالم جهل به علم و از عمی به بصیرت و از تو حش به مدنیت و از بدآوت به حضارت منتقل گردید و احتیاجات خود را در کمال عقلی و نفسی و در معیشت فهمید.» (وحدت، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

سید اشرف نیز در میان روشنفکران مشروطیت که برخی تفکری سکولار و گاه پوزیتیویستی و مادی داشته اند، از منظر عقیده مندی و رستگاری و نجات از رهگذر تمسک به قوانین و قواعد دینی و سنت نبوی، چهره ای یگانه است. ۲ می توان گفت که وجه غالب گفتمان روشنفکری دوره مشروطیت رویکردی دین زدایانه داشت، اما سید اشرف اگرچه تنها و بی صدا اما قاطع و مصمم بر اجرای مبانی و احکام دینی پای می فشرد و از مغفول گذاشتن آن ارزش ها، فریاد حسرت و افسوس بر می آورد و بیریق انتقاد را برمی افراخت. ۳ وی در باره قرآن کریم چنین می سراید:

بود قرآن کتاب من دلیل من عباراتش      برایم حجت و برهان بود مجموع آیاتش

شده روشن دو چشم از اشاراتش بشار آتش      نه از مشرک نه از کافر نه از خنزیر می ترسم

نه از کشتن نه از بستن نه از زنجیر می ترسم

نه از ورشو خبر دارم، نه از پاریس می آیم      نه از مسکو خبر دارم نه از تفلیس می آیم

ایا ای مؤمنین! از مشرق تقدیس می آیم      نه از تقدیم مشروطه نه از تأخیر می ترسم

نه از کشتن نه از بستن نه از زنجیر می ترسم

(دیوان، ص ۱۶۷)

## آرزوی پیشرفت و تعالی مردم

سید جمال با ذهن ایده آلیست و کمال گرای خود در آنچه می نوشت و می گفت هر آینه به پیشرفت و ترقی ملل اسلامی می اندیشید. وی با آشنایی با فرهنگ و زبان کشورهای شرقی و غربی به وضوح فاصله های این کشورها را از بویزه از دیدگاه تکنولوژیک می دید و همین درک او را بر آن می داشت که همت خود را صرف بیدار سازی ملل مسلمان کند تا آنان نیز بتوانند به شاهراه پیشرفت و ترقی گام بگذارند. ( مجتهدی، ۱۳۶۳ ص ۱۹) سید اشرف نیز در شعرهایش لحظه ای از ترقی و پیشرفت جامعه ایرانی و نیز علل نا کامی و عقب ماندگی ایران غافل نیست.

## نیاز به فراگیری علوم و صنایع جدید

یکی از مؤلفه های فکری روشنفکران مشروطیت دعوت به فراگیری علوم و فنون و صنایع جدید است. این گرایش به تکنولوژی و صنعت غرب از اواخر دوره قاجار آغاز شده بود و در دوره مشروطیت به یکی از اصلی ترین دغدغه های روشنفکران تبدیل شده بود. سید جمال الدین نیز بر آن بود که ملل مسلمان با بیدار شدن و کسب علوم و صنایع جدید می توانند به پیشرفت برسند و زمینه را برای آزادی و حریت خود فراهم کنند. ( مجتهدی ،، ص ۱۹). در شعر سیداشرف نیز مانند آثار دیگر روشنفکران مشروطه عدم پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک جامعه ایران یکی از مهم ترین عوامل عقب افتادگی کشور به شمار می رود. او با شور و امید بسیار به تشویق مردم و نیز دستگاه حاکمه به اکتساب علم و صنعت می پردازد و بر عوامل عقب ماندگی ایران به زعم خودش مویه می کند.

## اندیشه اتحاداسلامی

سید جمال الدین اسدآبادی با داعیه اندیشه اتحاداسلامی فضای جدید سیاسی را که بیشتر به فرهنگ و مدنیت غرب داشت، رنگ و بویی تازه داد. (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۷۲) چنانچه بیشتر محققان اشاره کرده اند بذر اندیشه اتحاد اسلامی را سید جمال الدین افشاند و بعدها زمینه اشاعه آن در میان دیگر روشنفکران و دگراندیشان متاخر فراهم آمد. در واقع فکر اتحاداسلامی در دوران تحول و تنوع ناسیونالیسم اروپایی و در زمانی که ناسیونالیسم کشورهای تحت استعمار غرب در حال تکوین بود، مهم ترین وسیله و ضروری ترین حربه مبارزه برای کشورهایی بود که به علت سابقه ممتد تاریخی فقدان عناصر اصیل سازنده ناسیونالیسم در فرهنگشان، نمی توانستند به طور فراگیرایدئولوژیک ملی را تدوین کنند، حتی کشورهای چون مصر که تکوین ناسیونالیسم عربی را پی نهادند، تکوین ناسیونالیسم عربی شان در مرحله نخستین نتیجه کار سید جمال الدین اسدآبادی بود که تصور ناسیونالیسم اسلامی را

سید جمال در دعوت به اتحاد و اتفاق و وحدت اسلامی ایرانیان را شایسته پیشقدمی می داند. "از همت های عالی و علو افکار ایرانی دور نیست که همان طور که در اوائل اسلام آنها به نشر علوم و حفظ احکام و کشف اسرار و هرچه که مربوط به این دین مقدس بوده، قیام کرده و به هر وسیله که توانستند برای اعتلای کلمه اسلام کوشیدند، همین طور هم امروز آنها برای تجدد و وحدت اسلامی و تقویت مقام اخوت دینی پیش قدم شوند و نگذارند که رشته یگانگی آنها گسیخته شود. (وائقی، ۱۳۵۶، ص ۱۱۳) کوشش سید جمال الدین برای استفاده ایدئولوژیک از اسلام و ایجاد شور انقلابی که برآمده از آبخوری دینی است، یکی از وجوه اندیشه دینی سید جمال به شمار می رود. در میان روشنفکران دوره مشروطیت سید اشرف بیش از همه بر قابلیت های دینی برای ایجاد روحیه مؤمنانه اما انقلابی تاکید می ورزد و بعدها دکتر علی شریعتی کوشش بسیار می کند تا از مؤلفه های اسلامی و آئین شیعه عناصری را به نفع جریانی انقلابی و دگرگون طلب استخراج کند. "قرائت انقلابی از دین اسلام پس از سید جمال الدین اسد آبادی یکی از مؤلفه های محوری جهان فکری علی شریعتی است. سید جمال الدین و علاقه اقبال از متفکرانی بودند که آرای آنان به خصوص در بحث اتحاد اسلامی و بازگشت به خویشتن خویش مورد توجه شریعتی بود. چنانکه سرش اشاره کرده است این دو تن از دگر اندیشان مورد علاقه شریعتی بوده اند." (سروش، ۱۳۸۴، ص ۶)

تاکید سید جمال الدین بر سنت و حدیث و قرآن به ویژه سوق دادن اذهان مسلمانان به اسلام انقلابی که موجب آن هم پیروزی های چشمگیر صدر اسلام شده بود، همه و همه در جهت ایجاد اتحادی فرا کشوری و بین المللی برای ایجاد کمربندی محافظ در برابر دست درازی های کشورهای استعمارگر بود، از این رو به حق می توان برخی از دگر اندیشان ایرانی مشروطه گرا را متأثر از آرای سید جمال الدین در این خصوص دانست کسانی مانند: میرزا آقا خان کرمانی (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷) و نیز

کفر و دین به هم در مقاتله است      پیشرفت کفر در نفاق ماست

کعبه یک خدا یک کتاب یک      این همه دوئیت کجا رواست

بگذر از عناد باید این که داد دست اتحاد

کز لحد برون دست مصطفی (ص) است

### دانش اندوزی و تعلیم و تربیت

سید جمال تاکید بسیار بر آموختن دانش و فلسفه به عنوان درآمدی بر فراگیری دیگر علوم دارد، از دیدگاه او علم فلسفه موجب ارتقای سطح تفکر اجتماعی می شود و زمینه را برای پیشرفت و آموزش دیگر علوم نیز فراهم می کند. "فلسفه است که انسان را بر انسان می فهماند و شرف انسان را بیان می کند و طرق لائقه را بر او نشان می دهد. هر امتی که روی به تنزل نهاده است اول نقصی که در آن نهاد حاصل شده است در روح فلسفی شده است پس از آن نقص در سائر علوم و آداب و معاشرت آنها سرایت کرده است. (اسدآبادی، ۱۳۱۲ص ۹۳۹۲)

به نظر سید جمال علمی مانند نحو و علوم ادبی موجب ارتقای سطح تفکری که به آزادی و رستگاری منجر بشود، نخواهد شد. سید جمال الدین در خصوص علوم سنتی از جمله علوم دینی به شیوه ای که

می شود دنیا به کام اهل ایران ای نسیم!  
 می نماید هر مسلمانی شادمانی ای نسیم  
 آفتاب معرفت گردد درخشان ای نسیم  
 نور باران می شود این شهر تهران ای نسیم  
 از معارف دور می گردد ز سرها وسوسه  
 می شود ایجاد هر گوشه ای یک مدرسه  
 کودکان مشغول تحصیل حساب و هندسه  
 نقشه جغرافیا در دست طفلان ای نسیم  
 مزرع بی آب دلها آبیاری می شود  
 شیخنا دق می کند، ظالم فراری می شود  
 چشمه های علم در این خاک جاری می شود  
 مرد وزن لذت برند از علم و عرفان ای نسیم  
 مادران در تربیت مشهور دوران می شوند  
 دختران از معرفت شیرین تر از جان می شوند  
 کودکان در مدرسه با علم و عرفان می شوند  
 می شود هر کوچه ای پر حور و غلمان ای نسیم  
 بعد از این بیگانگان از امر حق گردند خویش  
 مؤمنین را هیچ مکروهی نمی آید به پیش

(تذکره نسیم، ۱۶۹۱۷۰)

## آزادی خواهی و قانون طلبی

یکی از ویژگی های بسیار مهم انقلاب مشروطیت این بود که این جنبش اجتماعی بر اثر بیدارگری هایی صورت گرفت که دگراندیشان در اتحاد با روحانیت و متأثیر از تجربه های آزادی خواهانه اروپا در صفی متحد و آراسته در برابر حکومت خودکامه قرار گرفتند: «انقلاب مشروطه با جنبش های قبل یک تفاوت مشخص و بسیار مهم داشت که نتیجه آموخته های جامعه ایرانی از تجربه اروپا بود: این انقلاب نه تنها بر ضد یک رژیم خود کامه مشخص بلکه مشخصاً بر ضد خود نظام خود کامه یعنی استقرار قانون و آزادی بر پا گردید. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹). سید اشرف:

مشروطه درختی است پر از میوه و اثمار عدلیه و انصاف و مساوات و را بار

قانون اساسی است درو ناظر هر کار فرقی به میان غنی و شاه و گدا نیست

(دیوان، ص ۱۷۵)

قانون حقوق مردم دنیاست داش حسن ایران از این حقوق مجزاست داش حسن

(دیوان، ص ۳۴۹)

## استبدادستیزی

دسپوتیسم یا استبدادستیزی از عناصر اصلی جریان روشنفکری مشروطیت است. سید جمال سلطه استبداد را از مهمترین عوامل عقب ماندگی ایران قلمداد می کند. وی می نویسد: " من قطع و یقین دارم که مردم ایران دارای استعداد قریحه طبیعی زیاد می باشند و از سایر مردم کشورهای دیگر

شاه ما را از برای مملکت تشویش نیست  
گوید این دنیا بجز خواب و خیالی بیش  
عقل عاقل بهر این دنیا مآل اندیش نیست  
پادشاهان را خبر از عالم درویش نیست

پادشاهی جز خیال و خواب و مستی بیش نیست

از گرفتاری شده بر اهل ایران عرصه سنگ  
روز و شب با بحث خود افتاده یک جمعی به  
چون که کشتی بی خبر افتاده در کام نهنگ  
شاه ما بهر سیاحت رفته در سوی فرهنگ

چون که در پاریس دیگر گفتگو از ریش نیست!

(دیوان صص ۵۳۸ - ۵۳۶)

پی نوشت ها:

۱. «برای آل احمد مذهب یکی از اجزای سنت بود و او چون به سنت عشق می ورزید و آن را به دستگیره هویت ما و متکا و پناه و خانه تاریخ ما می دانست، ما را به سنت و مذهب که یکی از فربه ترین اجزای سنت است، دعوت می کرد. (سروش، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶)
۲. کسانی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، کواکبی، شیخ هادی نجم آبادی، نائینی، ملاعبدالرسول کاشانی، محلاتی و سید جمال واعظ را در شمار نو اندیشان دینی قرار داده اند. اینان به عقل و دانش و تجارب بشری و رهیافت های جدید غربی احساس نیاز می کردند و نمی توانستند تحولات و دگرگونی های سریع جهان معاصر را نادیده گیرند و نیز معتقد و پایبند به دین و آموزهای دینی بودند. در واقع این طیف از یک طرف دغدغه ها و علقه های مذهبی داشتند و از طرف دیگر مواجه با مفاهیم و انگاره های تازه عقلی، علمی و غربی بودند. (گودرزی، ۱۳۸۳، ص ۹۷) از یک چشم انداز سید اشرف رانیز می توان از قماش دگر اندیشان دینی دانست؛ یعنی کسانی که در عین وابسته بودن به یک نگرش انتقادی و تولید کننده اندیشه وابستگی هایی هم با مبانی ایدئولوژیک یک آیین در ایران اسلام دارند. اگرچه تعبیر «روشنفکری دینی» از اصطلاحات چالش برانگیز میان محققان است، امام برخی ویژگی هایی را برای تعریف پذیری آن ارائه کرده اند: از بعد روشنفکری واجد صفاتی چون التزام به عقلانیت مدرن، ایقایی نقش منتقد در سطح اندیشه و جامعه، انسان گرایی و تعهد اجتماعی، و از بعد دینی واجد باوردینی، مراد داشتن ایمان دینی، پذیرش قضاوت و داوری دینی، تعهد و رسالت دینی ... هستند. (جهانبگلو، ۱۳۸۴، صص ۱۳۲ - ۱۳۱) درباره

۳. آجودانی در مقایسه تطبیقی ترکیبات شعر سیداشرف و فرخی و ترسیم دو رویکرد مذهب و غیر دینی در میان دگراندیشان دوره مشروطیت اشاره می کند: «اگر فرخی از زمزمه های انقلابی، مرگ سرخ، فرمان خون، جنگ صنفی، جامعه کارگری، زمزمه های صبح گاه سخن می گوید، اشرف آن گاه که به جهان اطرافش با دیدی تازه می نگرد از فیل ظلم، نخل وطن، حلوای معارف، چماق من تشاء، آواز شرعی، کرباس فقر، سیب روح، ارواح فالوده و بستنی و... سخن ساز می کند» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵)

۴. یکی از وجوه تشابه استعمارستیزی سیداشرف و سیدجمال انتقاد سخت به سیاست های استعماری انگلیس است؛ البته سیدجمال الدین در سطحی بسیار وسیع تر در حوزه جغرافیایی ایران، هند، مصر، سودان و ... به مبارزه علیه انگلیس و سیاست های استعماری اش می پرداخت و سید اشرف بیشتر منتقد مناسبات استعماری انگلیس با ایران بود. البته در ایران معمولاً سیاست های استعماری انگلیس به طور متمرکز و حتا گاه اغراق شده مورد انتقاد قرار گرفته است؛ نگارنده بسا از برخی عوام شنیده ام که اگر جنگی میان موش و گربه هم در بگیرد، اساس اختلافشان زیر سر انگلیسی هاست! البته این امر بر آمده از ذهنیت توطئه باوری است که دیر زمانی است که در میان نخبگان سیاسی و توده مردم ایران وجود داشته است، چنانکه محقق می نویسد: «در میان تئوری های توطئه منسوب به قدرت های خارجی در ایران اعتقاد به دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران و نقش روباه مکار انگلیس از همه

منابع:

۱ آجودانی، ماشاءالله:مشروطه / ایرانی، تهران:اختران، ۱۳۸۳ش.

۲: یا مرگ یا تجدد، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۲ش

۳ آشوری، داریوش: ما و مدرنیته، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴ ش

۴ اسدآبادی، میرزا لطف الله:مقالات جمالیه، تهران، ۱۳۱۲ش.

۵ جهانگللو، رامین: /یران در جستجوی مدرنیته، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴ش.

۶: بین گذشته و آینده، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴ ش.

۷ سروش، عبدالکریم، *از شریعتی، تهران: صراط، ۱۳۸۳ ش.*

۸ شفیعی کدکنی، محمدرضا: *ادوار شعر فارسی، ویرایش دوم، تهران: علمی، ۱۳۸۰ ش.*

۹ علیزاده، حسین: *روشنفکری از نگاه روشنفکران، تهران: روزنامه سلام، ۱۳۸۰ ش.*

۱۰ عنایت، حمید: *سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸ ش.*

۱۱ غفاری هاشجین، زاهد: *تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی معاصر ایران، از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: سروش، ۱۳۸۴ ش.*

۱۲ کاتوزیان، محمدعلی *همایون تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، چاپ سوم، نشر نی، ۱۳۸۴ ش.*

۱۳ کسرائی، محمد سالار: *چالش سنت و مدرنیته در ایران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۹ ش.*

۱۴ گودرزی، غلامرضا: *دین و روشنفکران مشروطه، تهران: اختران، ۱۳۸۳ ش.*

۱۵ گیلانی، سید اشرف: کلیات جاودانه نسیم شمال، چاپ دوم، به کوشش حسین نمیمی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۱ش.

۱۶ مجتهدی، پیروز: سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران کنشر تاریخ، ۱۳۶۳ش.

۱۷ محیط طبابایی، محمد: نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، با مقدمه سید هادی خسرو شاهی، تهران: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۰ش.

۱۸ مطهری، مرتضی: بررسی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: صدرا، ۱۳۶۵ش.

۱۹ واثقی، صدر: سید جمال الدین حسنی، پایه گذار نهضت های اسلامی، چاپ دوم، تهران: پیام، ۱۳۵۶ش.

۲۰ وحدت، فرزین: رویارویی فکری ایرانیان با مدرنیته، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳ش.

